

فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، بهار ۱۴۰۰

صص: ۶۳-۷۲

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

اشارات به کبوتر و کبوتر بازی در شعر وحشی بافقی

نسرین رضازاده

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

دکتر مریم محمدزاده (نویسنده‌ی مسئول)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

دکتر رامین صادقی‌نژاد

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

چکیده

اشارات اجتماعی در شعر یک شاعر از بابت اطلاعات ارزشمندی که از شیوه‌ی زندگی مردمان ارائه می‌دهند، حائز اهمیت است. اما به نظر می‌رسد بازتاب این معلومات در شعر، صرفاً جنبه‌ی جامعه‌شناختی نداشته و شاعر برای آفرینش ادبی خود، ناگزیر از طرح این موضوعات است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که آیا یک شاعر، بدون پرداختن به مسائل اجتماعی عصر خویش می‌تواند در تصویرسازی و مضمون‌پردازی ادبی موفق باشد؟ وحشی بافقی یکی از شاعران پر آوازه‌ی قرن دهم هجری است که از این ظرفیت، بهره‌ی وافری برده و بسیاری از مضامین و تصاویر ادبی خود را با استفاده از این معلومات سروده است. نتیجه‌ی بررسی نشان می‌دهد وحشی به واسطه‌ی آشنایی کافی که با خصوصیات و عادات و باورهای عمومی و آیینی در مورد کبوتر داشته، توانسته مضامین بکر و تصاویر پویایی در شعر خود بیافریند. نتیجه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که اصطلاحات و کنایات مرتبط با کبوتربازی جایگاه بزرگی در شعر وحشی دارد و علاوه بر آن وی نام برخی حیوانات مربوط به این سرگرمی عامیانه را نیز در شعر خود به کار برده است.

واژگان کلیدی: اشارات اجتماعی، تصویرسازی، جامعه‌شناسی ادبیات، مضمون‌پردازی،

وحشی بافقی

۱- مقدمه

نگاهی به شعر وحشی، نشان می‌دهد که هسته‌ی اصلی بخشی از تصاویر و مضامین ادبی شعر او را کبوتر و سرگرمی کبوتربازی؛ شکل می‌دهد. این در حالی است که در هیچ یک از پژوهش‌های جامعه‌شناختی صورت پذیرفته در شعر وحشی به اهمیت شایان این دسته از اشارات اجتماعی توجه نشده و در خوش بینانه‌ترین حالت به نقش نامه‌رسانی این حیوان بسنده شده است. معلومات ارائه شده در مورد کبوتر در دیوان وحشی بافقی نشان می‌دهد که وی نه تنها با این حیوان آشنایی داشته؛ بلکه در اشعار خویش از عادات، خصوصیات و باورهای مرتبط با این پرنده و سرگرمی کبوتربازی برای آفرینش تصاویر ادبی و بیان مضامین بکر استفاده کرده است. هدف اصلی این نوشته تبیین میزان آشنایی وحشی با کبوتر و نقش عناصر بلاغی شکل گرفته بر اساس کبوتر بازی در آفرینش ادبی وحشی است.

۱-۱- مفاهیم نظری

الف. جامعه‌شناسی ادبیات: شعر و ادب را برخی نسخه بدل زندگی می‌دانند و معتقدند «از ادبیات می‌توان به عنوان یک سند اجتماعی برای به دست آوردن نکات کلی تاریخی اجتماعی استفاده کرد» (ولک و وارن، ۹۹: ۱۳۷۳). از همین روی است که «آگاهی از فرهنگ عامه پایه درک متون ادبی است» (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۲).

ب. اشارات اجتماعی: در کتب ادبی، اشارات را به صورت قاعده‌مند و مجزاً تقسیم بندی نکرده‌اند؛ بلکه به‌طور عام در قالب امثال و حکم، فرهنگ اشارات و فرهنگ تلمیحات آورده‌اند؛ با توجه به انواع رویکردهای معنایی الفاظ، عبارات و اصطلاحات به کار رفته در دیوان شعرا، اشارات را می‌توان به اقسامی نظیر: اشارات عامیانه، اشارات آیینی، اشارات حماسی، اشارات سیاسی، اشارات اقتصادی و... تقسیم کرد و هر یک را به‌طور مستقل مورد بررسی قرار داد. در این میان، در اصطلاح ادب پژوهان، منظور از اشارات «هر عنوان و مطلبی که به نوعی مظهر و نمودار مفهوم و اندیشه‌ای افسانه‌ای بوده و احیاناً جنبه تلمیح و اساطیری یا داستانی یافته یا حکایت‌گر رسم و آیین و باوری کهن است که در ذهن و زبان مردمان، ساری و در زندگی روزمره آنان جاری باشد» (یاحقی، ۱۳۶۹: مقدمه ۷).

ج. کبوتر بازی یا سرگرمی با کبوتر: کبوتریکی از پرندگانی است که در شعر فارسی، مضمون‌ساز بوده است. اولین رد پای این پرنده زیبا و دوست داشتنی را در کشتی نوح (ع) می‌توان یافت؛ از این روی این پرنده به کبوتر نوح، موسوم است؛ چنانکه عطار گوید:

به عشق بلبل مست و غم کبوتر نوح به حدس دهد بلیس و عزت عنقا

(عطار، ۱۳۴۵: ۶۷۱)

اولین اشارات مربوط به کیوتر بازی را نیز می‌توان در دیوان مسعود سعد سلمان یافت که در قالب تعلیل زیبای ذیل بیان شده است:

اُنس تو با کیوتر است همه ننگری از هوس به چاکر خویش
هم به ساعت بر تو باز آید هر کیوتری که رانی از بر خویش
رفتن و آمدن به نزد رهی چون نیاموزی از کیوتر خویش؟

(سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۶۴۳)

کیوتر از همان آغاز با انسان، الفت داشته است. در تفسیر سور آبادی آمده است: «آنگه نوح (ع) کیوتر را بفرستاد. گفت برو خبر با من آر. کیوتر به هوا بر شد. فرو نگریست، آنجا که جودی است. زمین را برهنه دید. فرو آمد بنشست. تا به زانوی وی آب مانده بود. پای در آن نهاد. پایش بسوخت که آن آب عذاب بود. درخت زیتون پدید آمده بود. برگی از آن در منقار گرفت و خبر با نوح آورد... آنگاه نوح (ع) بر وی آفرین کرد و از این است که مردمان را بر کیوتر شفقت است.» (عتیق نیشابوری، ۱۳۸۰: ۱۰۴۸/۱). کیوتر در ادبیات فارسی، به عنوان حامل نامه و پیغام مورد اشاره قرار گرفته است. این حیوان به خاطر قابلیت دست آموزی و انس یافتن با انسان، موجبات تفریح و سرگرمی ویرا فراهم آورده است. شمیسا، بخشی از کتاب فرهنگ اشارات را به موضوع کیوتر و بازتاب خصوصیات و صفات وی از جمله کیوتر بازی اختصاص داده است. در مقاله دوست علیخان معیر الممالک، با عنوان کیوتر و کیوتر بازی در ایران، شرح مفصلی درباره‌ی انواع کیوتران و نام‌های آنان وجود دارد که این نام گذاری‌ها عمدتاً بر اساس شکل و رنگ این پرنده قرار گرفته است. (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۵۲/۲-۷۵۱).

۱-۲- پیشینه‌ی تحقیق

شکرالله پورخالص و عمران صادقی (۱۳۹۲) در چکیده مقاله‌ای با عنوان جلوه‌های فرهنگ عامه در دیوان وحشی بافقی، به بخشی از معتقدات فکری چون خرافات و اعتقاد به دیو و موجودات موهوم و باورهای عامیانه چون شومی جغد و چشم زخم، طلسم و جادو و کیمیا و بخت و اقبال و طالع بینی و طبابت سنتی اشاره شده کرده‌اند. روح‌الله خادمی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان بازتاب طب قدیم در دیوان وحشی بافقی، به بیماری‌هایی چون: آماس، امتلاء، تب و تب خال، تب لرزه، جوع الکلب، خفقان، خناق، دوبینی، زخم ناسور، سر درد و سودا، صفرا، کچلی، کوری و مرگ ناگهانی، مزاج و انواع آن، و درمان پاره‌ای از این بیماری‌ها اشاره کرده است. جهانگیر صفری و صدیقه کافتی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان عناصر فرهنگ عامه در شعر وحشی بافقی، به بررسی موضوعاتی چون:

تأثیر فلک و اجرام آسمانی بر سرنوشت انسان، بخت و اقبال، جادو و سحر و افسون و چشم زخم و حیوانات موهوم و طلسم و فال و رنگ‌ها در شعر وحشی بافقی پرداخته است. طائفی، شیرزاد و علیرضا باقری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان مؤلفه‌های فرهنگ عامه در اشعار وحشی بافقی، به دسته‌بندی اعتقادات و باورهای خرافی، افسون و طلسم و سحر و جادو، تأثیر ستارگان و قسم و دعا و نفرین پرداخته‌اند. اقبال عبدی و محمود عباسی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان بازتاب باورهای عامیانه در دیوان وحشی بافقی، به رسوخ باورهای عامیانه چون باور تأثیر تابش خورشید بر سنگ و تبدیل شدن آن به لعل و کیمیا و کیمیاگری و باورها و افسانه‌های خرافی و تقدس عدد هفت، اعتقاد به سعد و نحس ستارگان، اعتقاد به ناسازگاری فلک با انسان در شعر وحشی، پرداخته‌اند. داود قهاری و طاهره موسویان (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ عامه در دیوان وحشی بافقی، به تأثیر وحشی از محیط زندگی مردم عصر و انعکاس آن در شعر وحشی اشاره کرده‌اند. علیرضا محمودی و مصطفی پورگلو (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان مسائل اجتماعی در شعر وحشی بافقی، به بازتاب مسائل اجتماعی نظیر: مشاغل، مسائل پزشکی، مسائل اقتصادی، انواع مجازات، فرهنگ عامه در شعر وحشی پرداخته است. محمد رضا وصال (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان ترکیبات و تعبیرات عامیانه در دیوان وحشی بافقی، به نقش و کاربرد تعبیرات و عبارات عامیانه مقتبس از زبان عوام در دیوان وحشی پرداخته است.

۲- بحث و بررسی

همانطور که در بررسی پیشینه تحقیق گذشت بیش‌تر محققان به بررسی بازتاب موارد مشخص، کلی و پراکنده‌ای از مسائل اجتماعی در دیوان وحشی پرداخته‌اند و کسی از این محققان بر روی اشارات اجتماعی خاصی که دقت، اشراف، ژرفا و گستردگی معلومات وی را آشکار سازد؛ متمرکز نشده است. در این تحقیق به طور اخص موضوع کبوتر و کبوتربازی که در زمان وحشی، به عنوان یک سرگرمی عمومی شایع بوده بررسی شده است.

۲-۱- اصطلاحات و معلومات مربوط به کبوتر و کبوتربازی

الف. آسمان پرواز: اصطلاحی است که در مورد کبوتران اوج پر استفاده می‌شود. کبوترانی که از شدت اوج گرفتن در آسمان، گم می‌شوند. در بیت ذیل «آسمان پرواز» کنایه موصوف از بلند پروازی است:

انگبین دام مگس کردن ز شیرین پیشگی است

بر گذر نه دام مرغ آسمان پرواز را

(وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۱۴۶)

ب. بستن بال کبوتر: معمولاً به منظور عادت دادن وی به بام آشیانه‌ی جدید، صورت می‌گیرد. برای بستن پرهای کبوتر از نخ استفاده می‌کنند که نه خیلی نازک باشد که کبوتر با نوکش بتواند آن را باز کند و نه از ریسمان کلفت که موجبات آزار و اذیت کبوتر را فراهم کند. آفرینش مضمون ذیل، نتیجه‌ی آشنایی وحشی با کبوتر و سرگرمی کبوتربازی است تشبیه رسای «طایر وصل»، در بیت خودنمایی می‌کند:

امید من از طایر وصل تو بریده است نتوان پر او بست بدین تار گسسته
(همان: ۳۶۶)

ج. بال و پر دادن: کبوتر باز زمانی که مطمئن شود کبوتر هوای رفتن به آشیانه‌ی قدیم را از سر به در کرده است؛ از کشیدن پرهای کبوتر، دست باز می‌دارد و اجازه می‌دهد که پرهای کبوتر رشد کند و در اصطلاح، «تخت» شوند. در بیت «پر» مجاز مفرد مرسل از بال است. در فرهنگ کنایات سخن نیز «پر و بال دادن» در معنای کنایی قدرت و امکان دادن آمده است (انوری، ۱۳۸۳: ۲۰۲/۱):

بخوان ای عشق افسونی و آن افسون بدم بر من
مرا بال و پری ده مرغ آن پرواز گاهم کن
(وحشی بافقی، ۱۳۹۲: ۳۵۰)

د. بسمل و نیم بسمل: هنگام سر بردن مرغ، بسم الله می‌گویند. از این رو مرغ در حال ذبح را که دست و پا می‌زند؛ مرغ بسمل گویند. گاهی مرغ نیمه جان از دست رها می‌شد و از زمین پایین و بالا می‌جهید به آن مرغ نیم بسمل گویند (شمیسا، ۱۳۸۷: ۱۷۴/۱). در بیت شاهد تشبیه مرسل و کنایه‌ی موصوف «نیم بسمل» می‌باشیم:

همچو وحشی نیم بسمل در میان خاک و خون
می‌تپم و آن شوخ پندارد که بازی می‌کنم
(وحشی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

وحشی در بیت ذیل اصطلاح فارسی «نیم گش» را به جای «بسمل»، آورده است که سابقه و لاحقه‌ای در ادب فارسی ندارد:

آن که خدنگ نیم‌گش می‌خورم از تغافلش

کاش تمام‌گش کند نیم گش عتاب را
(همان: ۱۴۳)

هـ. بیهوده پران: بعضی از کبوتران، توانایی هماهنگ شدن و به اصطلاح «دسته شدن»، با دیگر کبوتران را ندارند. این امر باعث ناهماهنگی در پرواز دیگر کبوتران می‌شوند. از این کبوتران برای پایین آوردن و در اصطلاح، «نشاندن»، دیگر کبوتران استفاده می‌کنند:

آن نغمه برآور که فتن مرغ هوایی زآن رشته گره بر پر بیهوده پران زن
(همان: ۶۲۵)

و. پرافشانی: در اصطلاح کبوتربازان، عبارت از ریختن پره‌های دوران جوجگی و درآمدن پره‌های دائمیاست که نشانگر بلوغ کبوتر می‌باشد. پرافشانی کنایه‌ی فعلی از خوشدلی و شادی است:

طایری بودم من و غوغای پرافشانیی

چشم زخمی آمد و بشکست بر هم بال من
(همان: ۳۴۱)

ز. پرواز بی‌هنگام: یا آشفته پروازی از موضوعاتی است که موجبات گرفتاری و آشیان باختن کبوتر را فراهم می‌آورد:

من آن مرغم که افکندم به دام صد بلا خود را

به یک پرواز بی‌هنگام کردم مبتلا خود را
(همان: ۱۴۴)

ح. چیدن پر: چیدن پره‌های کبوتر و به ویژه شاه پره‌های پرنده با قیچی برخلاف کندن و بستن پره‌های پرنده، باعث می‌شود که پرنده توان پرواز خود را از دست بدهد. تشبیه رسای «مرغ و هم» در بیت قابل توجه است:

می‌خواست مرغ و هم بر بام او پرد مقراض شد به قطع پرش هر دو شه‌پرش
(همان: ۴۶۹)

ط. حلقه پای کبوتر: برای شناسنامه دار کردن کبوتر، حلقه‌ای در پای کبوتر می‌اندازند. در بیت، عنصر بلاغی تشبیه مرکب و صنعت استخدام در واژه «باز» جلوه‌ای خاص دارد: دست انصاف تو آن کرد که در پای حمام حلقه دیده‌باز است چو زرین خلخال
(همان: ۴۸۹)

ی. خون کبوتر: رنگ خون کبوتر سرخ است. تشبیه خون کبوتر به شراب یا مشبه‌هایی سرخ فام چون لب، در ادب فارسی سابقه دارد. سعدی «لبان لعل» یار را به «خون کبوتر» مانند کرده است (سعدی، ۱۳۶۱: ۵۹۱). در بیت تشبیه مرسل به کار رفته است:

بازان کم آزار نظر بسته ز صیدند غیر از می چون خون کبوتر نشناسند
(وحشی، ۱۳۹۲: ۶۲۸)

ک. دست آموزی: عادت دادن به نشستن بر روی دست و به اصطلاح دست آموز کردن کبوتر، از جلوه‌های ویژه کبوتربازی است. کبوتر دست آموز و به اصطلاح جلد و آموخته در صورت رماندن از طرف صاحب خویش، دوباره به سوی دست صاحب خود باز می‌گردد.

دل رام دستت شد ولی بر وی میفشان آستین

ترسم که ناگه رم دهی این مرغ دست آموز را

(همان: ۱۴۷)

ل. رم دادن کبوتر: گاهی برای این که کبوتر صید گربه نشود، یا در بام حریف ننشیند؛ با ایجاد صدا یا سنگ پرانی سعی می‌کنند کبوتر را رم دهند. این مسأله کبوترانی را که هنوز جلد بام نشده‌اند؛ دچار زحمت می‌کند و احتمال دارد که بعد از رمیدن نتوانند دوباره بام خود را پیدا کنند و در نتیجه روانهٔ بام دیگری می‌شوند. در بیت شاعر خود را به صورت پوشیده به کبوتر مانند کرده است:

رم دادن صید خود از آغاز غلط بود حالاگه رماندی و رمیدیم رمیدیم

(همان: ۳۰۶)

م. سر رشته در دست داشتن: کبوتربازان گاهی رشته‌ای بر پای کبوتر می‌بندد و از این کبوتر به عنوان طعمه و برای نشان دادن کبوتران شکاری استفاده می‌کنند. در بیت شاهد تشبیه مضمّر شاعر به کبوتر و کنایهٔ فعلی «سر رشته به دست داشتن»، در معنای قدرت و امکان، می‌باشیم:

توام سر رشته داری گر پرم سوی تو معذورم

که در دست اختیاری نیست مرغ بند بر پا را

(همان: ۱۴۲)

ن. سنگ زدن به کبوتر: سنگ زدن به کبوتر برای ممانعت از نشستن وی بر بامی است که خلاف میل صاحب کبوتر است:

به کنج بی‌کسی و غربتم من آن مرغی که سنگ تفرقه دورش ز آشیان دارد

(همان: ۴۱۳)

س. شاهپر: به پرهای بزرگ و بلند کبوتر گفته می‌شود که در صورت کنده شدن، پرنده قدرت پرواز را از دست می‌دهد. استفاده از فعل «دماندن»، برای رویش دوبارهٔ شاه پرها؛ نشانهٔ آشنایی وحشی با سرگرمی کبوتر بازی است:

طایر شهباز من شهپر دولت دماند رخصت پرواز نیست ورنه پر و بال هست

(همان: ۱۹۸)

ع. صلا زدن: برای صدا کردن کبوتر به آشیان یا نشستن بر لب بام یا دانه خوردن؛ به کبوتر صغیر و صلا می‌زنند. در بیت تشبیه مضمّر شاعر به کبوتر و کنایهٔ فعلی «صلا زدن» در معنای دعوت قابل توجه است:

مرا به کنگره وصل او صلا مزیند که آن پری که شما دیده‌اید بازم نیست
(همان: ۱۹۲)

ف. فریفته شدن به دانه: کبوتر گرسنه به دانه حریص است و با دیدن دانه به دام می‌افتد:

نقل وفا در بزم نه تا رام گردد مدعی مرغی که نبود در قفس او را فریب دانه ده
(همان: ۳۶۳)

ض. غبار افشانی: تکاندن بال و پر و افشاندن غبار، مقدمه‌ای برای پرواز است. غبار بال برافشاندن، کنایه فعلی از آغاز به کاری است:

حذر ز وحشت این آستان کن وحشی غبار بال برافشان که وقت پرواز است
(همان: ۱۶۴)

ق. عادت دادن به لب بام: باعث می‌شود، کبوتر به لانه اشراف یابد و بعد از برخاستن به هوا، بام خود را بشناسد و از طرفی به کبوتر این امکان را می‌دهد که از دست شکارچیان بویژه کلاغ و گربه فرار کند:

دل شد کبوتر لب بامی که صد رهش سازند دور و باز نشیند به بام خویش
(همان: ۲۹۲)

ر. کشتن کبوتر: ناحریفان به جای شکار کبوتر، به هر شکل ممکن کبوتر حریف را از بین می‌برند:

مرغی کز آشیانه خصم تو بر پرید الا به خون خود نتواند که پر زند
(همان: ۲۳۴)

ش. کندن سر کبوتر: نشانه اظهار کین و عداوت در میان کبوتر بازان است:
سر کندن و انداختنش را چه توان گفت؟

مرغی که نه آبی طلبیده است و نه دانه
(همان: ۶۳۳)

ت. نامه‌رسانی کبوتر: سابقه این موضوع به محول کردن وظیفه پیام‌رسانی از وضعیت روی زمین به کبوتر در حضرت نوح (ع)، باز می‌گردد. در ترکیب‌بند ذیل وحشی، کبوتر نامه‌رسان را که احتمالاً بال و پری سیاه داشته یا حامل پیام شوم مرگ بوده است. به جغد مانند کرده است:

بومی آمد نامه عنوان سیه بر بال او نامه‌ای بتر ز روی نامبارک فال او
(همان: ۶۰۲)

۲-۲- حیوانات مرتبط با کبوتر

الف. باز: یکی از پرندگانی که همیشه در کنار نام کبوتر در شعر مضمون ساز بوده؛ باز است. در بیت تشبیه تمثیل قابل تأمل است:

به صیادی چو بازم شهره و فاش
که بشناسم کبوتر را ز خفاش
(همان: ۹۲۳)

ب. عقاب: از پرندگانی است که قابلیت شکار کبوتر را دارد. در بیت تشبیه مرکب خودنمایی می‌کند:

ته پای جان شکاری دل من به خون زند پَر
چو کبوتری که اُفتد به تصرف عقابی
(همان: ۳۷۲)

ج. گربه: گربه را برای گرفتن و آوردن کبوتر تعلیم می‌داده‌اند و گربه کبوترگیر بدون خفه کردن کبوتر، آن را گرفته و به نزد صاحب خود می‌آورد:

روبه حيله ساز پر تزوير
گربه اسود کبوتر گیر
(همان: ۹۴۳)

۳- نتیجه‌گیری

وحشی جدای از آنکه آشنایی بالایی با کبوتر دارد، در مورد سرگرمی اجتماعی و عمومی شایع عصر خود یعنی کبوتربازی نیز از معلومات کافی بهره مند است. وی در حد انعکاس این آگاهی‌ها در سطح شعر خود متوقف نشده؛ بلکه با استفاده از این معلومات و به یاری عناصر بلاغی چون: تشبیه، تمثیل، کنایه و مجاز مفرد مُرسل و با استفاده از ترفندهایی ادبی دیگری چون: تلمیح و استخدام و حسن تعلیل توانسته است تصاویر و مضامین بکری را بیافریند. وحشی از عنصر بلاغی تشبیه، برای تصویرسازی و از عنصر بلاغی کنایه برای مضمون آفرینی و در بیان مسائل اجتماعی و تأکید معانی و مفاهیم عمومی نیز از عنصر بلاغی تمثیل استفاده کرده است.

منابع

- ۱- انوری، حسن. (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*، تهران: سخن.
- ۲- پورخالص، شکرالله و عمران صادقی (۱۳۹۲)، «جلوه‌های فرهنگ عامه در دیوان وحشی بافقی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی*.
- ۳- خادمی، روح الله. (۱۳۹۲). «بازتاب طب قدیم در دیوان وحشی بافقی»، *مجموعه*

مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.

- ۴- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۱). جامعه شناسی در ادبیات، تهران: آوای نور.
- ۵- سعد سلمان، مسعود. (۱۳۶۲). دیوان مسعود سعد سلمان، تهران: گلشایی.
- ۶- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۶۱). غزلیات سعدی، به تصحیح حبیب یغمایی، تهران: مطالعات فرهنگی.
- ۷- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). فرهنگ اشارات، ۲ ج، تهران: نشر میترا.
- ۸- صفری، جهانگیر و صدیقه کافتیری. (۱۳۹۲). «عناصر فرهنگ عامه در شعر وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۹- طائفی، شیرزاد و علیرضا باقری. (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های فرهنگ عامه در اشعار وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۱۰- عبداللهی، منیژه. (۱۳۸۱). فرهنگ نامه‌ی جانوران در ادب فارسی، ۲ ج، تهران: پژوهنده.
- ۱۱- عیدی، اقبال و محمود عباسی. (۱۳۹۲). «بازتاب باورهای عامیانه در دیوان وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۱۲- عتیق نیشابوری، ابوبکر. (۱۳۸۰). تفسیر سوراآبادی، به تصحیح سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- ۱۳- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۴۵). دیوان عطار، به تصحیح تقی تفضلی، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- قهاری، داود و طاهره موسویان. (۱۳۹۲). «فرهنگ عامه در دیوان وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۱۵- محمودی، علیرضا و مصطفی پورگلوی. (۱۳۹۲). «مسائل اجتماعی در شعر وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۱۶- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه‌ی ایران، تهران: چشمه.
- ۱۷- وحشی بافقی، کمال الدین. (۱۳۹۲). دیوان وحشی بافقی، ویراسته حسین آذران، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸- وصال، محمد رضا. (۱۳۹۲). «ترکیبات و تعبیرات عامیانه در دیوان وحشی بافقی»، مجموعه مقالات نخستین همایش کمال الدین وحشی بافقی.
- ۱۹- ولک، رنه و آستین وارن. (۱۳۷۹). نظریه‌ی ادبیات، ترجمه‌ی ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.